بین الملل

دشمنان از حقوق بشر استفاده ابزاری می‌کنند

دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه گفت: دشمنان از حقوق بشری استفاده ابزاری می‌کنند؛ حقوق بشری درکار نیست مگر اینکه به نفع خودشان باشد.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، ناصر سراج در حاشیه مراسم گرامیداشت قربانیان تروریست در جمع خبرنگاران، اظهار داشت: در رابطه با مدرسه میناب جلسه شورای حقوق بشر برگزار شد. گزارش اولیه حاکی بود که قطعا به نفع جمهوری اسلامی رأی خواهند داد، اما در نهایت در رأی‌گیری هیچ کشوری را محکوم نکردند، هرچند کلیت ماجرا را محکوم کردند. وی افزود: آنها گفتند باید کمیته حقیقت‌یاب به آنجا برود و بررسی کند چه کسی این شلیک را انجام داده و پیگیر موضوع هستند.دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه عنوان کرد: کمیته حقیقت‌یاب اخیرا هم پیگیری کردهاند و می‌خواهند محدوده تحقیق را گسترش دهند. وی گفت: الان منطق زور حاکم است، نه زور منطق؛ هر کس زور دارد پیش می‌رود و مشکلی هم نیست. همه قوانین بین‌الملل که بیشترشان مصوبات خودشان است را بدون استثنا رد کرده و زیر پا گذاشته‌اند و تابع هیچ قانونی نیستند، مگر آنچه به نفع‌شان باشد. مثلا اینکه ۱۶۸ دانش آموز و معلم بی گناه به شهادت رسیده؛ برایشان مهم نیست اما اگر یک نفر از خودشان کشته شوند دنیا را محکوم می‌کنند. سراج یادآور شد: دشمنان از حقوق بشر استفاده ابزاری می‌کنند؛ حقوق بشری درکار نیست مگر اینکه به نفع خودشان باشد.

۲۰۲۶ سال خوبی برای آمریکا نبوده است

روزنامه واشنگتن پست به ثبات سیاست های ترامپ در قبال اوضاع داخلی این کشور و جایگاه جهانی آن پرداخت.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، روزنامه واشنگتن پست گزارش داد که فاصله زیادی میان سیاست های ترامپ در حوزه های امور خارجه و اقتصاد با شمار اول آمریکا وجود دارد که ممکن است در نهایت به تضعیف جایگاه جهانی این کشور بیانجامد. همین سیاست ها می تواند باعث شود کشورهای جهان به دنبال ایجاد نظام بین المللی مستقل تر از واشنگتن روی بیاورند. بر اساس این گزارش، سال ۲۰۲۶ سال خوبی برای آمریکا نبوده است. این کشور درگیر جنگ با ایران، تعرفه های گمرکی علیه تجارت جهانی و اقتصاد رو به رو با تورم و رکود است. در این بین سیاست های ترامپ جایگاه آمریکا را در بلند مدت تقویت نمی کند بلکه مسیر عکس آن را تسریع می بخشد. جهان به سمت کاهش وابستگی خود به آمریکا حرکت می کند. در این گزارش آمده است: قرار بود جنگ علیه ایران به تقویت جایگاه آمریکا در منطقه خلیج فارس و روابط واشنگتن با همپیمانان عرب و تل آویو بیانجامد اما نتایج این جنگ افزوری کاملا برعکس بود. جنگ و سیاست های بی ثبات آمریکا باعث افزایش فاصله میان آنها شد و این موضوع در امضای توافق مکه و ایجاد یک ائتلاف بدون حضور آمریکا قابل مشاهده است. بر اساس این گزارش، همپیمانان آمریکا به دنبال ایجاد سازوکارهای امنیتی جایگزین هستند چرا که احساس می کنند دیگر نمی توان به آمریکا اعتماد کرد. سخنان ترامپ درباره کاهش رزمایش ها با کره جنوبی و روابط خوبش با رهبر کره شمالی باعث می شود همپیمانان آمریکا به دنبال جایگزین های دیگری باشند. در بحث دلار و اقتصاد نیز آمریکا با یک خطر راهبردی بزرگ رو به رو است چرا که کشورهای مختلف در حال پیدا کردن شرکای تجاری جدید و کاهش وابستگی به دلار در تبادلات خود هستند. استفاده از دلار به عنوان اهرم فشار سیاسی باعث شده کشورهای زیادی به دنبال جایگزین باشند و تداوم این روند می تواند به ایجاد جهان مالی متنوع تر بیانجامد. اگر چنین اتفاقی رخ دهد هزینه های مالی آمریکا و بدهی های این کشور تشدید شده و فرصت های سرمایه گذاری شرکت های آمریکایی در بازارهای خارجی کاهش پیدا می کند.

آغاز انحصار سلاح در عراق از پایان سپتامبر

رئیس پارلمان عراق ضمن تأکید بر پیشبرد روند انحصار سلاح در دست دولت و تداوم مقابله با فساد تصریح کرد این پرونده ماهیتی عراقی دارد و مطابق قانون اساسی است.

به گزارش زمان به نقل ازایسنا، هیبت الحلبوسی، رئیس پارلمان عراق بر «انحصار سلاح در دست دولت» تأکید کرد و گفت: «پرونده انحصار سلاح در دست دولت، عراقی و مطابق قانون اساسی است و این روند ادامه دارد.» بر اساس گزارش وبگاه النشره، وی در ادامه اظهار کرد: «فساد سیستماتیک شده است و مجلس نمایندگان به بازخواست مفسدان ادامه می‌دهد. کارزار مبارزه با فساد با حمایت همه گروه‌های سیاسی، صرف‌نظر از جایگاه فرد مفسد، ادامه دارد.» الحلبوسی همچنین خاطرنشان کرد: هیچ فراکسیون سیاسی یا کارزار مبارزه با فساد مخالفت نکرده است و ریاست مجلس نمایندگان چندین قانون، از جمله قانون جرایم اطلاعاتی، را در دستور کار خود دارد.

خطیب‌زاده: جبهه ترور شکست خورد

ایران برای پاسخگو کردن تروریست‌ها مصمم است

سید خطیب‌زاده، معاون وزیر خارجه در مراسم روز جهانی یادبود و گرامی‌داشت قربانیان تروریسم، با تاکید بر اینکه آنچه طی یک سال و چند ماه گذشته علیه ایران رخ داده، نمونه آشکاری از عملکرد «جبهه ترور» بوده است، اظهار کرد: تروریسم اقتصادی نیز «مانند تروریسم خشونت‌آمیز، جنایت‌آمیز و دارای قربانیانی است که هیچ گناهی ندارند.

به گزارش زمان به نقل ازایرنا، سید خطیب‌زاده، رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، با اشاره به اقدامات تروریستی علیه ایران در سال‌های اخیر، گفت: جبهه ترور تصور می‌کرد با هدف قرار دادن مسئولان، نیروهای نظامی، امنیتی و سیاسی و ایجاد هراس در جامعه، زمینه ریزش و فروپاشی در ایران فراهم خواهد شد، اما در عمل مردم، مسئولان، نیروهای مسلح و دیپلمات‌های ایرانی در برابر این اقدامات ایستادگی کردند و تعامی این محاسبات را برهم زدند. متن کامل این سخنان بدین شرح است: «هیچ‌وقت در تاریخ معاصر ایران به این سطح، شکل و کیفیت جبهه حق و باطل از هم تفکیک نشده بود. من تصور نمی‌کنم که صحبت درباره موضوعی با عنوان «تروریسم» هیچ‌گاه این‌قدر راحت بوده باشد. زمان‌هایی بوده که تروریسم را در لایه های پوششی مختلف با اسم‌های فریبنده به جولمج گوناگون فروخته‌اند ولی آنچه در این کشور اتفاق افتاد، یعنی در یک سال و چند ماه گذشته، مثال اعلای جبهه ترور بر علیه جبهه مظلوم ایران اسلامی و جبهه مقاومت است و واقعا جا دارد اسم آن‌ها را جبهه ترور، جبهه وحشت یا جبهه کشتار گذاشت. جا دارد که ما «تروریگرانی ترور» یا «حوزه ترور تهران» را تأسیس کنیم و نام تمام عزیزانی که قربانیان جبهه ترور و جنایات جبهه ترور، هستند چه از حیث مفهومی و چه از حیث مشخصاً موضوعی، آنجا به نمایش گذاشته شود.آنچه که در طی این چند سال توسط این جبهه ترور بر علیه مردم ایران و کشور انجام شده، برای همیشه تاریخ می‌ماند، اما در مقابل آن هم یک شکوهی از مقاومت و یک شکوهی از ایستادن قربانیان وجود دارد که آن هم متعلق باز این مدال افتخار به مردم ایران و ملت ایران و مسئولین محترم این کشور که خودشان را خادمان این ملت می‌دانند. جبهه ترور فکر می‌کرد وقتی دست به ترور بیرد، ریزش در بدنه سیاسی، نظامی، امنیتی اتفاق می‌افتد؛ دست به ترور بزند، سربازان ما بر سر کار حاضر نخواهند شد؛ مرخصی‌ها شروع می‌شود؛ دست به ترور بزند، اتفاقی که در زمان فروپاشی شوروی اتفاق افتاد، در این کشور اتفاق می‌افتد. آنها به عینه دیدند در این لابراتوار تاریخی که مردم ایران، مسئولین ایران، مقامات ایران، سربازان ایران، سرداران ایران، امرای ایران، دیپلمات‌های ایران، همه به نام ایران ایستادند، به نام ایران برجا ماندند و حتی یک برگ مرخصی هم پر نکردند. هیچ لاتجری بدون سرباز نبود. هیچ میکروفونی بدون گوینده نماند. دهها، صدها سند افتخار این ملت در اوج این فضای تروری که جبهه تزیری استکبار برای ما ایجاد کرده بود، وجود دارد.

این جنگ و این سری جنگ‌هایی که بر علیه ملت ما کردند که جدیدترین آن تروریسم اقتصادی است که بر علیه ملت آغاز کردند، شما می‌دانید تروریسم اقتصادی به اندازه همان تروریسم خشونت‌آمیزی که پشتش سلاح و گلوله است هم جنایت‌آمیز است و هم جنایت جنگی است و هم قربانیانش افرادی هستند که هیچ گناهی ندارند. شما بدانید هزار بار یک مسیر خطا را بروند، هزار بار به همان شکست خواهند رسید. این جنگ‌ها به آنها نشان داد تمام انحرافات ادراکی که داشتند، تمام گزاره‌های مسمویی که درست کرده بودند که این ملت به اندازه همان تروریسم خشونت‌آمیزی که پشتش سلاح و گلوله است هم جنایت‌آمیز است و هم جنایت جنگی است و هم قربانیانش افرادی هستند که هیچ گناهی ندارند. شما بدانید هزار بار یک مسیر خطا را بروند، هزار بار به همان شکست خواهند رسید. این جنگ‌ها به آنها نشان داد تمام انحرافات ادراکی که داشتند، تمام گزاره‌های مسمویی که درست کرده بودند که این ملت تاب‌آوری‌اش تمام شده، این حاکمیت توان ایستادگی ندارد، ارتش و سپاه و نیروهای نظامی و مسلح ما توان پاسخگویی مؤثر ندارند، بدنه سیاسی، نظامی، امنیتی کشور پارچه نیست؛ تعامی این گزاره‌های مسمویی که صبح تا شب در تعامی این بلندگوهای رسانه‌ای تغذیه‌شده توسط جبهه استکبار پخش می‌شد و همه‌مان شنیدیم، هر وسیله ارتباطی را که رصد می‌کردیم می‌گفت الان دیگر روز آخر است، امروز دیگر به تهران می‌رویم، امروز تمام این گزاره‌ها با این موج خون‌های شهدای ما و ملت میموت‌شده ایران، یک بار برای همیشه از میان رفته اندآبته همه ما می‌دانیم که ما باید بر عهد خودمان استوار بمانیم و آن‌چنان که به ما امر شده در این مسیر «فاستقم کما امرت» باقی بمانیم قطعاً مسیر استقامت تمام نشده. ما از این مسیری که برای ما درست کردن، ناخودآگاه یا ناخواسته، دست به زانوهایمان زدیم، بلند شدیم. ان‌شاءالله دست به دست هم می‌دهیم، حاکمیت که وظیفه اصلی پاسداری از جان و ناموس و امنیت این ملت را دارد، بر این عهد است که ان‌شاءالله در ادامه مسیر هم در کنار ملت، به رغم تعامی کمی‌ها و کاستی‌ها، این مسیر را جلو ببرد. در بلندای تاریخ، ان‌شاءالله همه‌مان با هدیدگر سرود عزت را یک بار دیگر برای این مرز و بوم خواهیم خواند. من می‌دانم شما عزیزان بسیار بارزشی را که جان شما بودند، لکه‌های جدا نشدنی از شما بودند، در این راه قربانی کردید. ان‌شاءالله خداوند متعال، اجر این مجاهدت شما را خواهد داد و ان‌شاءالله شهدای شما برای ما، برای همه ما، آنجایی که دستمان خالی است، ان‌شاءالله شفیع صلح است.چرا که دشمنان ایران از صلح از طریق قدرت سخن می‌گویند؛ شماری که در عمل آن‌ها چیزی جز حضور مداخله‌جویانه بیگانگان نیست و در مقابل، ایران صلح برخاسته از اقتدار یومی را نه تنها در شعار، بلکه در میدان عمل محقق کرده است.

نجابت با تأکید بر اینکه پیام روشن این استراتژی، بازگشت امنیت به منطقه توسط خود کشورهای ساحلی است.خاطرنشان می‌کنددر این الگوی امنیتی، بیگانگان نه تنها بخشی از راه حل نیستند، بلکه داشته، ولی بیش از دستورالعمل‌ها، تمام تلاشش را کرده در مجامع بین‌المللی که هیچ جنایتکاری را بی‌کیفر نگذارد.

البته می‌دانید عرصه روابط بین‌الملل این روزها عرصه حقوق بین‌الملل نیست. یک زمانی در دنیا صحبت می‌کردند که حقوق بین‌الملل مبنای جامعه جهانی است. بعد که فروپاشی شوروی اتفاق افتاد، ذوق‌زده شدند، گفتند که نه حقوق بین‌الملل، نه آنهایی که مرکز دنیای لیبرالیسم بودند، گفتند که ما به دنبال قواعدیم، دنبال جامعه بین‌المللی هستیم که مبتنی بر قاعده باشد، باز هم گفتیم ما اخطار کردیم؛ ولی گفتیم حتی همین قواعد هم که شما می‌گویید که تفسیر بردار است، باز هم خوب است. به یک جایی رسیدند از نفرت‌شان، از خدابازی خود و از این تبختر که تاریخ برای آنها آورده و این نقطه شکست آنهاست که گفتند نه، دنیای روابط بین‌الملل مبتنی بر زور. آقای ترامپ گفت «صلح از طریق قدرت». منظورش هم همان هژمونی از طریق زور بود. به رغم اینکه آنها از دنیای حقوق بین‌الملل فاصله گرفتند، از دنیای قواعد فاصله گرفتند و به دنبال فقط اعمال زور هستند، به شما این نوید و وعده را می‌دهم که کشورهایی مثل ایران که متمهد به ارزش‌های مشترک بشری به طور واقعی هستند، در چارچوب مسئولیت ذاتی‌شان، این مسیر را با قوت ادامه خواهند داد و ان‌شاءالله همه این تروریست‌ها را پاسخگو خواهیم کرد و من به آینده بیش از آنچه که همه گفتیم امیدوارم.

"زمان" ابعاد حقوقی تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را بررسی کرد:

حاکمیت ایران؛ خط قرمزِ دیپلماسی و قدرت

صاحب نظران و کارشناسان سیاسی معتقدندسه‌دقیقه‌های رسانه‌ای پیرامون تفاهم‌نامه اسلام‌آباد در حالی شکل گرفته که دستگاه دیپلماسی کشور، تبادل نظر با همسایگان را نه به معنای مداخله در حاکمیت، بلکه صرفاً در حد استماع دیدگاه‌ها تعریف کرده است.راهبردی که صلح منطقه‌ای را نه تنها در سایه بیگانگان نمی بیند، بلکه در پرتو اقتدار ملی جست‌وجو می‌کند.

به گزارش محبوبه بیدکی خبرنگار زمان، در فضای پرتنش رسانه‌ای، برخی تفاسیر نادرست از متن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، این گمانه را تقویت کرد که احتمال می رود اعمال حاکمیت ایران بر آب‌های سرزمینی، تحت‌تأثیر نظرات کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار گیرد. برای زدودن این شبهات، ضروری است مرز میان مشورت‌های دیپلماتیک و اقتدار حاکمیتی به‌دقت ترسیم شود، روایت مُتقن از مذاکرات اخیر، بیانگر آن است که: جمهوری اسلامی ایران در مسیر تثبیت صلح، هیچ تمهدی فراتر از ظرفِ گفت‌وگوی دوجانبه نپذیرفته است. نجابت، عضو کمیسیو امنیت ملی و سیاست خارجی نیز بر این باور است که«در مذاکرات هیئت ایرانی، وسواس ویژه‌ای برای انتخاب واژگانِ حقوقی به کار گرفته شد، هدف از این دقت، جلوگیری از ایجاد بار حقوقی ناخواسته بود، در حالی که برخی طرف‌های مقابل اصرار داشتند از واژه مشورت استفاده شود، تیم مذاکره‌کننده نیز با هوشمندی بر تبادل نظر تأکید ورزید. به گفته این نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی«تفاوت بنیادین در اینجاست که مشورت می تواند به معنای جلب نظر شریک و الزام‌آور بودنِ خروجیِ آن باشد، اما تبادل نظر صرفاً به معنای شنیدن دیدگاه‌های طرف مقابل است بدون اینکه کمترین حقی برای آنان در تعیین تکلیف حاکمیت ایران ایجاد کند. وی معتقد است: این رویکرد صریح، سدی مستحکم در برابر هرگونه تفسیر مداخله‌جویانه ایجاد کرده است. در این میان، موضع‌گیری کشور عمان نیز به عنوان بازیگری متفاوت در منطقه، نشان‌دهنده فهم مشترک از این چارچوب دیپلماتیک است. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی تأکید می کند:«آنچه امروز در پهنه آبی خلیج فارس مشاهده می‌شود، تقابل دو نوع رویکرد به صلح است.چرا که دشمنان ایران از صلح از طریق قدرت سخن می‌گویند؛ شماری که در عمل آن‌ها چیزی جز حضور مداخله‌جویانه بیگانگان نیست و در مقابل، ایران صلح برخاسته از اقتدار یومی را نه تنها در شعار، بلکه در میدان عمل محقق کرده است.

حضور آنان برهم‌زننده ثبات قلمداد می‌شود، همان‌طور که در عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری نظام تأکید شده، جایگاه نیروهای فرامنطقه‌ای در این آب‌ها، در قمر دریاست؛ چرا که امنیت پایدار، تنها با تکیه بر توانمندی‌های منطقه‌ای و بدون حضور مستشاران و نیروهای خارجی امکان‌پذیر است.

در نهایت می توان گفت: تفاهم‌نامه اسلام‌آباد عقب‌نشینی از حقوق حاکمیتی نیست و نخواهد بود، بلکه نشان‌دهنده بلوغ دیپلماتیک ایران در مدیریت روابط همسایگی است، تفکیکِ دقیق تبادل نظر از حق حاکمیت، تضمین‌کننده این نکته است که ایران همیشه در حفظ تمامیت و اقتدار خود قاطع بوده و صلح منطقه با تکیه بر همین قدرت ملی و اخراج بیگانگان از آب‌های جنوب، واقعیتی است که آینده منطقه را ترسیم خواهد کرد.

Mojgan.bidaki1a@gmail.com

محله مسجدمحور، راهبرد بسیج برای حل مسائل مردم است

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: امروز نقشه جهانی قدرت در حال تغییر است و دیگر آمریکا و اسرائیل نمی‌توانند ادعای محوریت جهان و منطقه را داشته باشند.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت‌الاسلام طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، دیروز در چهارمین آیین ملی تکریم فعالان مساجد کشور، با گرامیداشت یاد شهدا، به‌ویژه شهدای جنگ اخیر و سراشکر شهید حاج قاسم سلیمانی، گفت: این مراسم در شرایطی برگزار می‌شود که استکبار جهانی به محوریت آمریکا و اسرائیل، پس از شکست در جبهه‌های مختلف در برابر ایران، تلاش کرده است با ضربه‌زدن به ارکان مقاومت، مسیر خود را هموار کند. وی با اشاره به نقش محوری مسجد در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی افزود: تنها محل عبادت نیست؛ بلکه پایگاه مقاومت فرهنگی، اجتماعی و حتی نظامی ملت ایران است. به گفته او، راهبردهای امام راحل و رهبر معظم انقلاب اسلامی، مسجد را به کانونی برای ایستادگی در برابر استکبار تبدیل کرده و همین مسئله سبب شده است ملت ایران و آزادگان جهان، امکان مقاومت و پیروزی در برابر دشمن را به‌روشنی ببینند. رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: آمریکائی‌ها گمان می‌کردند اگر ولی امر مسلمین و احیاگر و آبادگر مساجد را هدف قرار دهند، می‌توانند پایگاه مقاومت را از بین ببرند و ملت را از صحنه خارج کنند؛ اما نتیجه برعکس شد. با شهادت ایشان، تعالنها جبهه مقاومت تضعیف نشد بلکه حضور مردم در مساجد و میدان‌ها پررنگ‌تر شد. طائب تصریح کرد: امروز در پایگاه‌های مقاومت، هم حضور مردم در مسجد و هم حضور آنان در میدان‌های اجتماعی و سیاسی دیده می‌شود؛ مردمی با سلیقه‌ها و رفتارهای متنوع که در برابر استکبار ایستاده‌اند و این ایستادگی را به نمایش گذاشته‌اند. طائب در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به ضرورت تقویت نقش مسجد در حل مسائل اجتماعی و محلی، گفت: مقام معظم رهبری در حکم انتصاب بنده، بر توسعه خدمات اجتماعی اثرخش، گسترش گروه‌های جهادی و فعال‌سازی بسیج اقشار با محوریت مسجد تأکید کردهاند. امروز به مسجدی نیاز داریم که بتواند در ارائه خدمات اجتماعی نقش‌آفرین باشدوی ادامه داد: رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید کردهاند که در کنار بسیج مساجد، بسیج میادین نیز باید شکل بگیرد. به همین دلیل، احصای مسائل محلات و تلاش برای حل آن‌ها از طریق فعال‌سازی هسته‌های مقاومت، باید به راهبرد اصلی بسیج تبدیل شود. به گفته او، رئیس‌جمهور نیز نگاه مثبتی به این رویکرد دارد و مسجد را محور فعالیت‌های حل مشکلات محلات می‌داند.رئیس سازمان بسیج مستضعفین با بیان اینکه مسجد باید نیاز نیازمندان را به توان توانمندان پیوند بزند، خاطرنشان کرد: مسجدی که مابه دنبال آن هستیم، مسجدی است که امام جماعت در محور آن قرار دارد و بسیج، بازوی او برای انسجام‌بخشی به حرکت مردم و پیوند دادن ظرفیت‌های محله با نیازهای آن است. طائب با تأکید بر اینکه پشتوانه قدرت موشکی امروز ایران، وحدت و انسجام مردم است، گفت: اگر محله‌های مسجدمحور شکل بگیرد و مردم آن بر پایه محبت، تعامل و همدلی کنار هم قرار گیرند، وحدت ملی نیز بیش از پیش حفظ خواهد شد. مادامی که این وحدت پابرجاست، می‌توان در برابر فشارهای دشمن ایستاد و از مواضع ملی عقب‌نشینی نکرد. وی افزود: امروز موضوع اصلی کشور، «وحدت» است و هر اندازه این وحدت در میان اقشار و طیف‌های مختلف مردم بیشتر شود،

سرمقاله

بررسی هفت سناریوی احتمالی علیه ایران

محمدبختیاری

«موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل» (INSS) در گزارشی مهم، استراتژی محتمل رژیم صهیونیستی را در دوره پس از جنگ و به‌ویژه در مواجهه با ایران ترسیم کرده است؛ راهبردی که بر اساس آن، اسرائیل در چارچوب الگوی سنتی «بازدارندگی، هشدار و جنگ در شرایط اضطرار» به سمت الگویی نهاجمی‌تر، مداوم‌تر و منطقه‌ای‌تر است. نویسنده گزارش گرچه این مسیر را برای امنیت ملی رژیم خطرناک می‌داند، اما مجموعه شواهد و اظهاراتی که گردآوری کرده، تصویری قابل توجه از منطق در حال شکل‌گیری در سطوح سیاسی و نظامی اسرائیل ارائه می‌دهد.

۱. عبور از «جنگ مقطعی» به سمت جنگ دائمی

نخستین مؤلفه این راهبرد، تغییر نگاه به ماهیت جنگ است. در دکترین کلاسیک اسرائیل، میان شرایط عادی، وضعیت اضطراری و جنگ تمایز وجود داشت و هدف اصلی این بود که درگیری نظامی در کوتاه‌ترین زمان ممکن خاتمه یابد. اما در الگوی جدید، جنگ به وضعیتی دائمی تبدیل می‌شود. اسرائیل خود را در محیطی می‌بیند که تهدید در آن همیشگی است و بنابراین اقدام نظامی نیز نمی‌تواند محدود به زمان بروز یک تهدید فوری باشد. در چنین الگویی، پایان یک جنگ لزوماً به معنای پایان منازعه نیست، بلکه تنها می‌تواند آغاز فاصله‌ای تا دور بعدی درگیری باشد.

۲. جایگزینی «پیشگیری مستمر» با انتظار برای هشدار

دومین تغییر، تضعیف جایگاه هشدار اطلاعاتی است. در این نگاه، تجربه هفتم اکتبر به این نتیجه منجر شده که اسرائیل نباید منتظر شناسایی نیت دشمن برای حمله بماند. بر اساس این منطق، صرف شکل‌گیری یک قابلیت که ممکن است در آینده علیه اسرائیل به کار گرفته شود، برای اقدام پیش‌دستانه کافی تلقی می‌شود. یکی از نظامیان سابق اسرائیلی این منطق را چنین توصیف می‌کند: «من منتظر نمی‌مانم ببینم کسی قصد نابودی من را دارد یا نه؛ اجازه نمی‌دهم هیچ‌کس در اطراف من قابلیتی ایجاد کند که بتواند علیه ما استفاده کند.» در پرونده ایران، معنای چنین رویکردی بسیار فراتر از مقابله با یک حمله فوری است؛ بازسازی قابلیت‌های راهبردی ایران پس از هر درگیری نیز می‌تواند از نگاه اسرائیل به یک مسئله امنیتی و زمینه‌ای برای اقدام مجدد تبدیل شود.

۳. گسترش دکترین بگین از برنامه هسته‌ای به هر «قابلیت تهدیدزا»

در گذشته، دکترین بگین عمدتاً بر جلوگیری از دستیابی دشمنان اسرائیل به سلاح‌های کشتارجمعی و به‌ویژه توان هسته‌ای استوار بود. اما گزارش INSS هشدار می‌دهد که در راهبرد جدید، این منطق در حال گسترش است؛ به این معنا که نه فقط توان هسته‌ای، بلکه هر قابلیت نظامی یا راهبردی که اسرائیل آن را «بالقوه خطرناک» بداند، می‌تواند موضوع اقدام پیشگیرانه قرار گیرد. گزارش تصریح می‌کند آنچه پیش‌تر برای جلوگیری از دستیابی دشمن به تسلیحات کشتارجمعی در نظر گرفته می‌شد، اکنون می‌تواند درباره قابلیت‌هایی بسیار کوچک‌تر و حتی «قصد ایجاد یک قابلیت» نیز اعمال شود. این تحول در مورد ایران می‌تواند به معنای وسیع‌تر شدن دامنه تقابل از پرونده هسته‌ای به مجموعه‌ای از توانمندی‌های نظامی و راهبردی باشد.

۴. تبدیل ارتش اسرائیل از نیروی دفاعی پیرامونی به نیروی مداخله‌گر منطقه‌ای

چهارمین مؤلفه، تغییر مأموریت ارتش اسرائیل است. دو مقام مرتبط با ساختار فکری و راهبردی ارتش، این تغییر را گذار از یک «نیروی دفاعی محلی متمرکز بر حلقه نخست» به یک «نیروی دفاعی منطقه‌ای قادر به اقدام مستمر و طولانی‌مدت در سراسر خاورمیانه» توصیف کرده‌اند. هدف در این نگاه دیگر فقط حفاظت از مرزهای اسرائیل نیست؛ ارتش باید قادر باشد در سراسر منطقه عملیات کند و شرایط امنیتی محیط پیرامونی را به شکلی اساسی تغییر دهد. اگر این منطق تثبیت شود، فاصله جغرافیایی ایران از اسرائیل دیگر مانعی تعیین‌کننده برای عملیات نظامی تلقی نخواهد شد و اسرائیل خود را بازیگری با حوزه عملیات کل خاورمیانه تعریف خواهد کرد.

۵. عبور از «دفع تهدید» به «شکل‌دهی نظم منطقه‌ای»

این شاید یکی از مهم‌ترین تغییرات مطرح‌شده در گزارش باشد. در راهبرد جدید، قدرت نظامی صرفاً ابزاری برای از بین بردن تهدید نیست؛ بلکه ابزاری برای تغییر محیط سیاسی، امنیتی و حتی اجتماعی منطقه تلقی می‌شود. در مقابله‌ای که گزارش INSS به آن استناد می‌کند، تأکید شده اسرائیل باید از «تمام ابزارهای قدرت ملی خود، نظامی و تغیرنظامی» برای تخریب و ایجاد نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی در محیط منطقه‌ای استفاده کند. هدف نهایی، ایجاد شرایطی است که در بلندمدت برتری اسرائیل را تثبیت کند. بنابراین مسئله فقط مهار ایران یا تضعیف یک قابلیت خاص نیست؛ در افراطی‌ترین قرائت این راهبرد، تغییر آرایش قدرت در منطقه و تحمیل محیطی مطلوب برای اسرائیل به هدف تبدیل می‌شود.

۶. قرار گرفتن «تغییر حکومت در ایران» در انتهای طیف سناریوها

مهم‌ترین بخش مستقیم گزارش درباره ایران به ارزیابی جنگ سال ۲۰۲۶ بازمی‌گردد.

نویسنده اذعان کرده هدف اعلام‌نشده اما قابل تشخیص عملیات علیه ایران، صرفاً تخریب زیرساخت‌های نظامی نبود؛ بلکه سناریویی برای سرنگونی نظام ایران نیز وجود داشت. طبق گزارش، این سناریو بر چند مؤلفه استوار بود شامل حذف رأس رهبری نظام، اجرای یک کارزار روانی برای ایجاد شوک و بی‌ثباتی و بهره‌گیری از شبه‌نظامیان کرد. خود نویسنده این تصور را «توهمی خطرناک و فاقد مبنای واقعی» توصیف می‌کند. اهمیت این بخش در آن است که نشان می‌دهد در برخی محافل اسرائیلی، هدف‌گذاری می‌تواند از تضعیف توان ایران به تلاش برای تغییر ساختار قدرت در ایران توسعه پیدا کند.

۷. آماده‌شدن برای چند دور درگیری و کاهش وابستگی تسلیحاتی

آخرین مؤلفه، آمادگی اسرائیل برای یک منازعه طولانی است. نتانیاهو از تبدیل اسرائیل به «سوپر اسپارتا» و توسعه ظرفیت تولید داخلی تسلیحات در تمام سطوح سخن گفته است. در این نگاه، وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی در شرایط جنگ‌های طولانی یک آسیب‌پذیری راهبردی محسوب می‌شود و اسرائیل باید بخش بیشتری از نیازهای نظامی خود را در داخل تولید کند. نکته مهم‌تر درباره ایران این است که گزارش به یک ارزیابی اقتصادی اسرائیلی اشاره می‌کند که در محاسبات خود حتی «دو دور جنگ با ایران طی دهه آینده» را به‌عنوان یک فرض در نظر گرفته است.

این گزاره نشان می‌دهد حداقل در بخشی از برنامه‌ریزی‌های اسرائیلی، تقابل با ایران الزاماً یک جنگ نهایی و یکباره تصور نمی‌شود؛ بلکه سناریویی «ضربه، وقفه، بازسازی توان ایران و دور بعدی درگیری» نیز در محاسبات وجود دارد.

zamanagahi@chmail.ir